

یادداشت

نقاشی با زبان ما حرف نمی‌زند

به مناسبت نمایش آثار لایلا قندچی
با عنوان لایه‌های شکننده در گالری باوان



فاروق مظلومی

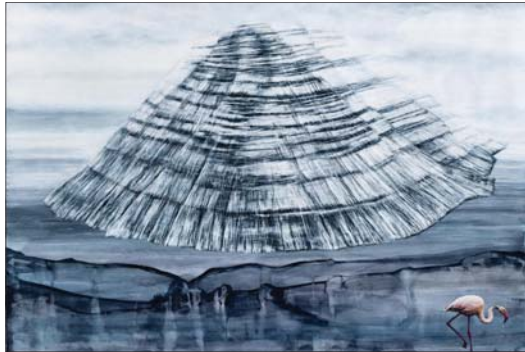
منتقد

سنت ثبت رویدادها به وسیله هنر و خصوصا نقاشی هنوز با برجاست. در این سنت از ابزار نقاشی برای تولید تصویرسازی و روایت استفاده می‌شود. درست مثل این می‌ماند که در زمین فوتبال با توپ فوتبال، والیبال بازی کنیم. آیا بهتر نیست با وجود این‌همه رسانه و تکنولوژی، این وظیفه تاریخی را از دوش نقاشی برداریم؟ نقاشی حرف خودش را دارد که با زبان خودش بیان می‌کند و خوشبختانه برای ما قابل فهم نیست. بگذاریم این قسمت از جهان نامفهوم باشد و از تسلط و تملک ما در امان بماند. نتیجه فاهمه و دانش انسان در جهان رو به نابودی کاملا معلوم است.

وقتی انسان متکلم شد، درحال دام‌گذاری بود و نوشتن نوعی گستردن دام است؛ اما هنر اصیل در دام کلمات نمی‌افتد. ما اشتباه فکر می‌کنیم که درباره اثر هنری می‌توان نوشت. اثر هنری درباره ندارد. درباره خودش است و خودش چیزی است که ما نمی‌دانیم چیست؛ مثل مرگ، مثل خدا. ما می‌توانیم آنها را تجربه کنیم. آثار هنری بی‌زبان و بی‌دفاع هستند ولی اگر تحرکی داشتند، خودشان را به سر مفسرهایی می‌کوبیدند که آنها را به زمین و زمان نسبت می‌دهند. وقتی ما یک اثر هنری را بهانه می‌کنیم و چیزی می‌نویسیم، نوشته ما فقط درباره دلایل وقوع هنر در آن اثر است. ما به هستی هنر در آن اثر می‌پردازیم، نه چستی آن اثر.

لایه‌های شکننده نمی‌تواند آثار لایلا قندچی را تعریف کند، چون آثار هنری تعریف‌ناپذیر هستند. آثار هنری شناسایی نمی‌شوند، فقط حس می‌شوند. آنها ما را به یک فضای ناشناخته پرت می‌کنند. اما حافظ روحانی در بیانیه نمایشگاه دست به کشف و شناسایی این آثار می‌زند.

استیتمنت (نهایی) (۱۴۰۳/۰۸/۱۶)



همان‌طور که در طول یک دهه گذشته، لایلا قندچی دورنماهایی طبیعی را نقاشی می‌کرد، حال نگاهش را بر جزئیاتی متمرکز کرده که پیش‌تر در اشکال مختلف در گوشه‌ونگار همان دورنماها ظاهر می‌شدند و یادآور تصاویر اتنی و گذرا، دَوَران‌های فکری، رُیاه‌ها، خیال‌ها یا همجه‌های جهان بیرونی بر ذهن آسیب‌پذیر او و ما بودند. همان‌طور که او پیش‌تر کوشیده بود تا آن وضعیت‌های ذهنی را در قالب دورنماها به خودش و ما نشان دهد و تاثیر اجتناب‌ناپذیر همجه‌های بی‌رحمانه جهان بیرون را در اشکال مختلف مرئی و قابل تماشا کند، حال انگار در تلاش است تا پوسته‌ها، حفاظ‌ها، صدف‌ها یا جداره‌هایی را نشان‌مان دهد که مانند برگه‌ای از کاغذ کالک شفاف، نازک و شکننده هستند. او حالا و بعد از جست‌وجوهای پیشین خود در پی کشف حقیقت شکنندگی و آسیب‌پذیری حفاظ‌ها، جدارها، پوسته‌ها و پوشش‌هایی است که قرار بود موجودات زنده -و در شکل استعاری‌ما- را در برابر فرسایش‌های بی‌پایان و آشتی‌ناپذیر جهان بیرونی محافظت کنند.

اما بپردازیم به فضای غیرقابل شناسایی در آثار لایلا قندچی. وقتی با عوامل ناآشنا فضایی ناشناخته درست می‌شود، مؤثر است، اما از آن مؤثرتر زمانی است که با عوامل آشنا (پرنده، صدف) فضای ناآشنا ساخته شود. سوررئالیسم در این مورد اخیر اغلب ناتوان بود. سوررئالیسم از تعدد فرم‌ها و اشکال بی‌ربط به یک فضای گیج‌کننده می‌رسید که همین فرمول برای همه اجراضدنی است. در آثار لایلا قندچی یک اتفاق دیگر افتاده است که خوشبختانه در قفسه‌بندی سوررئالیسم قرار نمی‌گیرد؛ امری خودآیین، تکنیکه و در نتیجه تکرار‌ناپذیر است. منظور این نیست که این نقاشی‌ها امکان کپی و تکرار را ندارند، اما در فرایند تکرار این آثار اتفاقی که برای لایلا قندچی افتاده است، برای کپی‌کننده نمی‌افتد. وقتی یک اثر اصیل کپی می‌شود، آنچه دیده می‌شود بازتولید خواهد شد. اگر اثری با فرمان مغز تولید شود، چون این فرایند قابلیت بیان، ثبت، انتقال و آموزش را دارد، قابلیت کپی هم دارد. در واقع در این حالت اصل و کپی نداریم؛ چون نقاشی اول اصیل نبوده که کپی داشته باشد. اما انرژی و حس نقاشی‌های اصیل در بخش نادیدنی نقاشی است. این بخش به طرح و نحوه تولید اثر برمی‌گردد.

سال‌ها قبل که ناآگاه‌تر از الان بودم، زمان برپودن فرایند تولید یک اثر را مختص کارهای مهارتی می‌دانستم. اما جمله‌ای از کلمنت گرینبرگ (۱۹۹۴-۱۹۰۹) تلنگری شد برای بازاندیشی. گرینبرگ تخدیر ایده و اندیشه را طی زمان طولانی تولید یا مشاهده اثر اجتناب‌ناپذیر می‌دانست. فرض کنید شما ساعت‌ها به یک اثر مفهومی خیره شوید. قطعا بعد از دقایقی مفهوم آن اثر مورد توجه شما نخواهد بود. آیا دیوار برای یک زندانی که سال‌ها به آن خیره شده است، همان مفهوم عام را دارد؟ مسلما نه. زمان برپودن تولید یا مشاهده یک اثر، عنان کار را از مغز می‌گیرد و به چشم و دست می‌سپارد. دست برای انجام حرکت از مغز کمک می‌گیرد اما نوع حرکت را مغز تعیین نمی‌کند. بدن زیسته ما در تعیین نوع حرکت مؤثر است. دست محتاط ادست جسور فرق دارد.



مدافع تصویری ایران شهری

درباره آثار کوروش بیگ‌پور، گرافیست ایرانی



حسین کنجی

اینکه بتوانیم در جهان جدید با انبوهی از مفاهیم و معانی مختلف همچنان زبان پویا و پرکاربرد و پرظرفیتی داشته باشیم، فاصله داریم. اما چه باید کرد؟ راهش ادامه‌دادن همین مسیر و درآمیخته‌شدن با موضوعات جهان جدید و به چالش کشاندن زبان فارسی و خط فارسی است. بر این اساس، کوروش بیگ‌پور در مقام گرافیست و هنرمند را باید ادامه‌دهنده همین مسیر و پاسخ‌دهنده به پرسشی دانست که آیا زبان و خط فارسی در مواجهه با جامعه جهانی و نیازهای مدرن و معاصر آن حرفی برای گفتن دارد و او جزء معدود هنرمندانی است که با مهاجرت به آمریکا و کار در محیطی کاملا کنده‌شده از بوم زبانی و فرهنگی خود، سعی در پاسخ‌دادن به این پرسش دارد. امروزه فونت در مقام رسم‌النخط قرار گرفته و به مراتب فراگیرتر عمل کرده و نقش بسزایی در دیگر هنرها و علوم حتی داشته است. زیرا هرچه از مجرای تفکر و اندیشه می‌گذرد، باید به وسیله قلم و تایپ به نگارش درآید و خود را ثبت کند.

من زبان و خط فارسی را با هم و کنار هم می‌آورم؛ زیرا آنها را جدا از یکدیگر و مجزا از هم نمی‌دانم. این زبان و خط باید هم‌وزن با تکنولوژی خود را جلو بیاورد و بتواند ظرفیت‌های خود را افزایش دهد. در جهانی که هر روز مفهومی تازه، تصویری تازه و شکل و نیازی تازه درحال زاده‌شدن است، نمی‌توان با زبان و خط کهنه پیش رفت و حرف زد و مدعی سهم و جایگاه و نقش نیز شد. کوروش بیگ‌پور با اندیشه ترسیمی و بیانی گرافیکی در جهانی غیرایرانی و غیرفارسی‌زبان، یعنی نقطه‌های بیرون از جغرافیای فرهنگی زبان فارسی، خط فارسی را به چالش کشانده است. تنوع آثار او و سفارشات و مجموعه‌هایی که او برای آثار کار کرده است، بیانگر آن است که او از هر مسیر و روزنی برای رسیدن به پاسخ بهره می‌برد و در نقاطی به اهداف و پاسخ رسیده و طبیعتا مثل دیگر هنرمندان در نقاطی هم شکست خورده است. آن‌طور که از آثار و نمودها و نشانه‌های موفقیت و شکست‌هایش



KOUROSH BIGPOUR
MYSTICAL ORIGINS OF PERSIAN CALLIGRAPHY
AUG 12, 2023 11AM PT
FARHANG CONNECT



گالری

«بیوستگی پنهان»

نمایشگاه آثار آرش تنهایی

نمایشگاه انفرادی از آثار آرش تنهایی با عنوان «بیوستگی پنهان»، در گالری ثالث برگزار خواهد شد.

آرش تنهایی، گرافیست و نقاش تهران در سال ۱۳۶۰ به دنیا آمد. کودکی‌اش با کانون پیوند خورد. کانون فضای آرامی بود که در آن بهترین کتاب‌های کودکان و تصویرگری‌ها را می‌دید.

در سال ۱۳۷۴ وارد هنرستان شد و در رشته گرافیک تحصیل کرد. برگزاری چندین نمایشگاه نقاشی و گرافیک را تجربه کرد و وارد دانشکده هنرهای زیبا شد.

طراحی پوسترهای تئاترهای دانشجویی رویدادهای فرهنگی، بزرگداشت‌ها و نمایشگاه‌ها حاصل دوران تحصیلش در هنرهای زیباست. طراحی پوستر برای نمایشگاه‌های کشورهای مختلف در تهران، فرانسه، ژاپن و انگلستان او را به طراح جوان و شناخته‌شده نسل خود تبدیل کرد.

در کنار اینها، نوشتن مقاله‌ها و یادداشت‌هایی درباره گرافیک ایران در مجله تدبیس و تدریس گرافیک در هنرستان و دانشگاه، نوشتن کتاب‌هایی درباره مرتضی ممیز و کامران کاتوزیان، از دیگر فعالیت‌های او در دهه ۸۰ بود.

آرش تنهایی در آغاز دهه ۹۰ مجموع پوسترها و مقالاتش را در کتابی با عنوان «سی سال تنهایی» منتشر کرد و هم‌زمان نمایشگاهی از پوسترهایش در خانه هنرمندان ایران برگزار شد.

در کنار اینها، برگزاری و کیورتوری چند نمایشگاه با موضوع چهره‌های فرهنگی ایران چون فروغ فرخزاد، غلامرضا تختی و صمد بهرنگی را به عهده داشت.



بیوستگی پنهان • نمایشگاه آثار آرش تنهایی

در سال ۱۳۹۵، مجله آنگاه و در سال ۱۴۰۱ نشر گهگاه را پایه‌گذاری کرد. او هم‌اکنون در آتلیه شخصی‌اش در تهران سرگرم طراحی، نوشتن، نمایشگاه‌گردانی و خلق آثار، انتشار مجله و کتاب و برگزاری رویدادهای فرهنگی مورد علاقه‌اش است.

در بیانیه نمایشگاه بیوستگی پنهان، به قلم سعید باباوند، این‌طور آمده است:

«تداوم سکوت و اندوه و تبدیل وضع به وضع این‌دو، جوهر نمایشگاه بیوستگی پنهان هستند. سکوت انبوهی که سفیدی گسترده کاغذ است و هنرمند می‌کوشد با خطوط ممتد، دل سکوت را بشکافد اما از این‌میان، اندوه به چهره زن رخ می‌نماید. زنی که اول مادر است و سپس معشوقه می‌شود و به وطن تکوین می‌یابد و هم‌زمان هر سه است. حتی آنجا که چهره زنی با اسمم و رسم مشخص را ترسیم می‌کنند از ورای نامش زن انثری را نقش زده.

تبار تصویر تنهایی نسب می‌برد از مدرنیست‌های ایرانی که دست در کار بی‌انداختن هنری هویت‌اندیش و توأمسان مدرن داشتند و از آنجا راه باز می‌کنند به پیکرنگاری و تک‌چهره‌نگاری مکتب اصفهان و گاهی گل و مرغ‌های قاجار.

آثار تنهایی در بیوستگی پنهان، در مرز طراحی و نقاشی و چاپ می‌گردند و بی‌آنکه اصرار کنند ارجاع‌اتی اجتماعی را اشاره می‌کنند».

نمایشگاه بیوستگی پنهان در گالری ثالث جمعه ۲۱ دی تا ۳ بهمن، از ساعت ۱۶ تا ۲۲ به آدرس، تهران، خیابان کریم‌خان، بین ایرانشهر و ماهشهر، پذیرای حضور علاقه‌مندان خواهد بود.